279
Uzlet
(200204)

عزّالدین ، حسین بن عبدالصّمد ← عاملی، عزالدین حسین بن عبدالصمد

عزرائیل ← مَلَک المَوت

عزلت، به مفهوم گوشه گیری و پرهیز از معاشرت. و از مفردات مشترک در اخلاق و عرفان. عزلت در اخلاق مبتنی بر کناره‌گیری نیکو از انسانها است و شرط تحقق آن انس با خدا با عالم بالا است که در این حال علیرغم ارتباط با مردم از آنها دور است. کسی که به مقام انس رسیده دوستی خلوت و عزلت و دوری از مردم بر دلش غالب می‌گردد زیرا مصاحبت و آمیزش با دیگران دلش را از توجه تام به خدا مشغول می‌کند. برخی از حکیمان، عزلت و گوشه‌گیری را بر مصاحبت با مردم ترجیح داده‌اند و برخی آمد و شد با مردم را از گوشه گیری افضل دانسته‌اند. گروه اول به آنچه که در ستایش و فواید عزلت وارد شده نظر کرده‌اند مانند این حدیث رسول اکرم(ص): «اِنَّ اللّهَ یُحِبُّ التَّقِیَّ الْخَفِیَّ= خداوند بندهٔ پرهیزکار پنهان را دوست دارد». و به کسی که از آن حضرت راه نجات پرسید، فرمود «در خانهٔ خود بنشین و دین خود را نگاهدار و برگناه خود گریه کن». و این حدیث از امام صادق(ع) است: «زمانه تباه گشت و برادران دگرگون شدند و تنهایی و انفراد برای آرامش خاطر و اطمینان قلب بهتر است». این حکیمان فواید بسیاری برای عزلت بیان کرده‌اند: مانند فراغت برای عبادت، ذکر، انس به مناجات با خداوند، اشتغال به کشف اسرار الهی در ملکوت آسمانها و زمین و رهایی از گناهانی که انسان غالباً به سبب آمیزش با مردم در معرض آنها است، مثل غیبت، ریا، آفات زبان، اخلاق پست مردمان و ...

گروه دوم از حکیمان که موافق با عزلت نیستند نیز به اخبار وارده در نهی از عزلت استفاده کرده‌اند. رسول اکرم(ص) فرموده: =اَلمُؤمِنُ آلِفٌ وَمَألُوفٌ وَلا خَیْرَ فیمَنْ لا یَألَفُ وَلا یُؤْلَفُ= مؤمن الفت می‌گیرد و با او الفت می‌گیرند و هر که الفت نگیرد و با او الفت نگیرند، خیری در او نیست. وَ مَنْ فارَقَ الْجَماعَةَ ماتَ مِیتَةً الْجاهِلِیَّه= هر که از جماعت جدا شود به راه و رسم جاهلیت بمیرد، به نظر این حکیمان، فواید آمد و شد با مردم تعلیم و تعلم و کسب اخلاق فاضله از همنشینی با صاحبان آن و استماع مواعظ و نصایح و... است. از امام صادق(ع) نقل است: کسی که گوشه گیری از خلق اختیار کرد در حصار محکم پروردگار متعال متحصّن گردیده و تحت حمایت، حفظ و توجه خداوند محفوظ و نگهداری شده، پس خوشا به حال کسی که تمام توجه او در ظاهر و باطن به سوی خدا باشد. گوشه گرفتن و انقطاع از مردم محتاج به دارا بودن ده چیز است: ۱)در رفتار و کردار قادر به تشخیص وظایف حق از باطل باشد، ۲)عدم علاقه و محبت به مال و ثروت، ۳)رضایت به سختی و ناگواریهای زندگی، ۴)آمادگی به ترک لذایذ دنیوی و مشتهیات نفسانی، ۵)رضایت از محیط خلوت و گوشه‌نشینی، ۶)توجه دائم در تأمین عاقبت و آینده، ۷)علیرغم مجاهده و کوشش در عبادات، عبادت خود را بی‌ارزش و کم انگاشتن، ۸)نداشتن هیچگونه خودبینی و خود پسندی، ۹)اشتغال دائم به ذکر و توجه به خدا [زیرا غفلت موجب تسلط نفوذ شیطان و منشاء هرگونه ابتلا به گرفتاری و سبب محجوبیت و محرومیت از فیض و انوار الهی است]، ۱۰)خالی کردن خانه از آنچه مورد لزوم و ضروری نباشد.

در احادیث و اخبار شیعه تفسیر عزلت به گونه‌ای عرفانی ـ اخلاقی مطرح شده و این معنا به دو سبب است: ۱)مفهوم مشترک عزلت در عرفان و اخلاق، ۲)این که عزلت در عمل خود بخود منجر به این معرفت خواهد شد. از قرن سوم و چهارم به بعد در صوفیه ـ که در واقع اصطلاحات و معارف آنها نظم و گسترش یافت ـ عزلت به مفهوم یکی از منازل سلوک معرفی شده است (← *اللمع*، *رسالهٔ قشیریه*)، و با این که صوفیه به آن توجه کرده‌اند اما تحلیل عزلت بدون بررسی جایگاه اخلاقی آن قابل عمل نیست. دانشمندانِ علم اخلاق و مشایخ صوفیه در هر دو شعبه (عرفان و اخلاق) عزلت را بررسی کرده‌اند.

منابع: *قرآن*؛ *ترجمهٔ مصباح الشریعه*، مصطفوی، ۱۰۵؛ *جامع السعادات*، نراقی، ۴۱۷.

حسن سید عرب

عزلتی خلخالی، ملا ادهم، سدهٔ یازدهم هجری، عالم و شاعر ایرانی. از زندگی او جز این دانسته نیست که خطیب بود و به موعظهٔ مردم می‌پرداخت. از آثارش: *دیوان عزلتی* که به شیوهٔ *بوستان* سعدی در ده باب نوشته و در پند و اندرز است. نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه شمارهٔ ۳۰۱۲ موجود است؛ *هشت بهشت*، *قنبرنامه* که دیباچهٔ منثور *هفت بند* حسن کاشی است و در آن از حسن کاشی و سرودهٔ او دفاع کرده است. نسخه‌ای از آن به شمارهٔ ۱۰۵۷ در کتابخانهٔ آستان قدس است؛ *اربعین* در چهل فصل که آن را در ۱۰۳۶ق به پایان رسانده است. وی در آغاز هر فصل آیه‌ای از قرآن مجید آورده و در پی آن سخنانی از پیامبر اکرم(ص) و امامان بر آن افزوده است. نسخه‌ای از آن به شمارهٔ ۱۴۸۲ در کتابخانهٔ آستانهٔ حضرت عبدالعظیم است؛

MADDE YAYIMLANDIKT...
SU...A CELEN DOKÜM...
29 Haziran 2018

دایرة المعارف تشیع، جلد یازدهم، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت، ۱۳۹۱
İSAM DN. 257995

22 NISAN 1991

of the Ba Concept in Ancient Egyptian Texts (Chicago, 1968) and Gertie Englund's *Akh: Une notion religieuse dans l'Egypte pharaonique* (Uppsala, 1978). The only comprehensive study of Iranian conceptions is Nathan Söderblom's *La vie future d'après le Mazdéisme* (Paris 1901). It is now somewhat out of date, but is still useful, as is J. D. C. Pavry's *The Zoroastrian Doctrine of a Future Life* (New York, 1926).

Old Testament ideas have been dealt with by Edmund F. Sutcliffe in *The Old Testament and the Future Life* (Westminster, Md., 1947) and by Robert Martin-Achard in *De la mort à la résurrection . . . dans . . . l'Ancien Testament* (Neuchâtel, 1956). For further discussion, see Harris Birkeland's "The Belief in the Resurrection of the Dead in the Old Testament," *Studia Theologica* 3 (1950): 60–78, and my book *Israelite Religion* (Philadelphia, 1975), pp. 239–247. Among studies dealing with later Jewish and Christian ideas, see R. H. Charles's *A Critical History of the Doctrine of a Future Life in Israel, in Judaism, and in Christianity* (1899; reprint, New York, 1979) and Pierre Grelot's *De la mort à la vié eternelle* (Paris, 1971). For Judaism, see also H. C. C. Cavallin's *Life after Death*, vol. 1, part 1, *An Inquiry into the Jewish Background* (Lund, 1974), a comprehensive study of all relevant texts, and George W. E. Nickelsburg's *Resurrection, Immortality, and Eternal Life in InterTestamental Judaism* (Cambridge, Mass., 1972).

Of the literature on the New Testament only a few books can be mentioned: Murdoch E. Dahl's *The Resurrection of the Body: A Study of 1 Corinthians 15* (London, 1962); *Immortality and Resurrection*, 2d ed., edited by Pierre Benoît and Roland E. Murphy (New York, 1970); Robert C. Tennenhill's *Dying and Rising with Christ* (Berlin, 1967); and Geerhardus Vos's *The Pauline Eschatology* (Grand Rapids, Mich., 1961). Works in German are Oscar Cullman's *Unsterblichkeit der Seele und Auferstehung der Toten* (Stuttgart, 1963), Paul Hoffmann's *Die Toten in Christus: Ein religionsgeschichtliche und exegetische Untersuchung zur paulinischen Eschatologie* (Münster, 1978), and Günter Kegel's *Auferstehung Jesu, Auferstehung der Toten* (Gütersloh, 1970).

On resurrection in Christian theology, see Paul Althaus's *Die letzten Dinge* (1922; Gütersloh, 1956), Walter Künneth's *Theologie der Auferstehung* (1934; Giessen, 1982), and Klaus Kienzler's *Logik der Auferstehung* (Freiburg im Breisgau, 1976), a study of the theologians Rudolf Bultmann, Gerhard Ebeling, and Wolfhart Pannenberg.

For a broad discussion of dying and rising gods, see James G. Frazer's *The Golden Bough*, 3d. ed., rev. & enl., vol. 4, *The Dying God* (1912; London, 1955). On Dumuzi, see Thorkild Jacobsen's *The Treasures of Darkness: A History of Mesopotamian Religion* (New Haven, 1976), pp. 25–73. On Baal, See Arvid S. Kapelrud's *Ba'al in the Ras Shamra Texts* (Copenhagen, 1952); Werner H. Schmidt's "Baals Tod und Auferstehung," *Zeitschrift für Religions- und Geistesgeschichte* 15 (1963): 1–13; and Michael David Coogan's *Stories from Ancient Canaan* (Philadelphia, 1978). On Osiris, E. A. Wallis Budge's *Osiris and the Egyptian Resurrection*, 2 vols. (1911; New York, 1973), and J. Gwyn Griffith's *The Origin of Osiris and His Cult*, 2d ed., rev. & enl. (Leiden, 1980), may be profitably consulted.

HELMER RINGGREN

RETREAT may be defined as a limited period of isolation during which an individual, either alone or as part of a small group, withdraws from the regular routine of daily life, generally for religious reasons. Retreats are one of the commoner practices in the religious life of nearly all peoples, although they are often restricted to a determinate type or class of persons: those preparing for initiation (e. g., into the adult life of a clan, into a religious group, or into some public office of a religious nature), those undergoing a process of conversion, those in search of a religious vocation, or those seeking a periodic renewal of their spiritual lives. During this period, retreatants interrupt their ordinary routine, break off regular social relationships, and (except for those who already live in monasteries or the like) withdraw into a solitary place or to a special building set apart for such purposes. This isolation, as well as the interruption of social intercourse and ordinary life, is adopted as a condition that enables individual retreatants to enter within themselves in silence, in order to establish contact with the divinity or with the world of the spirits. [*See* Silence.] Hence, retreats often involve the use of various ascetical means, such as fasting, abstinence, prayer, meditation, and techniques aimed at inducing a revelatory dream, trance, or ecstasy.

Various forms of retreat may be distinguished, and participants may engage in retreats with varying frequency. A retreat accompanying a radical conversion of life or the discernment of a vocation may be a rare or even unique event in an individual's life; whereas that aimed at personal spiritual renewal might be repeated periodically. Retreats of initiation may follow quite diverse procedures, depending on the kind of initiation involved. Thus, one may distinguish retreats of tribal initiation; retreats of search for a revelatory dream; retreats of shamanistic or monastic initiaion; and retreats of conversion, discernment, and renewal.

Retreats of Tribal Initiation. In generic and somewhat abstract terms (since in reality quite different forms of ritual may be involved), initiation into the life of a tribe entails separating candidates from the social nucleus to which they belong as children, especially from their mother, and isolating them in a well-defined zone, protected by rigid taboos. [*See* Initiation.] There they are placed under the direction of elders chosen by the tribe. The neophytes are then subjected to certain strict disciplines (fasting, abstinence, and various taboos), are instructed by the elders in certain traditional truths and beliefs (social and sexual ethics, myths and rituals, techniques of hunting, fishing, or farming), and are forced to undergo certain more or less painful tests. At the end of this period of initiation, after passing

Encyclopedia of Religion, c12, s.350-355, 1987, New York.

محمد رواس قلعةجي، الموسوعة الفكهية الميسّرة، المجلد الثاني،
بيروت ٢٠٠٠ . ص. 96-597
İSAM KTP DN. 81567
10 MAYIS 2002

عُزلة:

١ ـ **تعريف:** العزلة هي اجتناب مخالطة الناس.

٢ ـ **حكمها:**

أ ـ **يحرم اعتزالُ العالمِ الناسَ:** إن كان في اعتزاله حرمان الناس من سماع كلمة الخير التي يتعطشون إليها، إن غلب على ظنه استجابة الناس إليها، كالدعوة إلى الله، وتعليم العلم، وتقويم السلوك، ونحو ذلك.

ب ـ **ويجب عليه اعتزال الكفار والفساق** الذين يغلب على ظنه عدم استجابتهم لدعوة الخير، فهذا إبراهيم عليه السلام لما دعا أباه إلى الإسلام، فلم يجبه، ويئس من إجابته، اعتزل أباه وقومه، كما قال تعالى في سورة مريم/ ٤٨ ﴿وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدْعُواْ رَبِّى عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّى شَقِيًّا﴾.

جـ ـ **ويستحب اعتزال الفتن التي لا دور له فيها في الإصلاح**، وفيها يقول عليه الصلاة والسلام (أمسك عليك لسانك، ولْيَسَعْك بيتُك، وابْكِ على خطيئتك)[1].

د ـ **وتجوز العزلة غير الدائمة** عن الناس بهدف دراسة العلم، أو تهذيب النفس بالعبادة والتأمل في آلاء الله، كما هو الحال في الاعتكاف، ونحو ذلك.

هـ ـ **اعتزال زوجته** عندما تكون حائضاً أو نفساء (ر: حيض/ ٦هـ).

---

(١) الترمذي في الزهد باب حفظ اللسان.

﴿ العُزْلَةُ ﴾

UZLET

* مَنزِلَةُ العُزْلَةِ من الجِهَادِ —

مس - ك ٣٣ ح ١٢٢ — ١٢٧

تر - ك ٢٠ ب ١٧ و ١٨

مج - ك ٣٩ ب ١٣

مى - ك ١٦ ب ٦ و ٧

حم - ثان ص ٥٢٤ ؛ ثالث ص ٣٧ و ٢٦٦ ؛ خامس ص ٢٦٦

* زِيَادُ بنُ حُدَيْرٍ وَتَمَنِّيهِ العُزْلَةَ

حم - ثان ص ٣٠١

* مَنْ يُخَالِطُ النَّاسَ وَيَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ أَعْظَمُ أَجْرًا مِمَّنْ لَا يُخَالِطُهُمْ

حم - ثان ص ٤٣

ط - ح ١٢٠٩

* أَفْضَلُ النَّاسِ لَدَى وُقُوعِ الفِتْنَةِ مُؤْمِنٌ مُعْتَزِلٌ فِي شِعْبٍ مِنَ الشِّعَابِ —

حم - ثالث ص ٤٧٧

WENSINCK AREN JEAN, MİFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE. 431 DİA DM NO: 04160.
Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss .
KISALTMALAR:

بخ= صحيح البخاري، مس= صحيح مسلم، بد= سنن أبي داود، تر= سنن الترمذي، نس= سنن النسائي، مج= سنن ابن ماجه، مى= سنن الدارمي، ما= موطأ مالك، ز= مسند زيد بن علي، عد= طبقات ابن سعد، حم= مسند احمد بن حنبل، ط= مسند الطيالسي، هش= سيرة ابن هشام، قد= مغازي الواقدي

Chapel Hill, 1942, loi n° 5, p. 41. Girard (*op. cit.*, p. 46) écrit également à propos des Psaumes: «Comment procéder pour dégager le sens d'une construction concentrique? Contrairement au cas de la construction chiastique, nous nous sommes aperçu qu'ici, c'était la pointe (ou centre, ou pivot) qui portait l'idée dominante, alors que l'idée sous-dominante se trouve dans la dyade extérieure A...A.»

84. *Cf.* Meynet, *l'Analyse rhétorique*, p. 147.
85. XXXII, p. 109.
86. p. 2025.
87. Meynet, *l'Évangile selon saint Luc*, p. 257.
88. Voir ci-dessus, note 84.
89. À paraître dans la revue *Luqmān*, Annales des Presses Universitaires d'Iran, Téhéran.
90. Mais on verra qu'en dehors de la thématique, les autres indices rhétoriques orientent la séquence S. 99-104 vers une structure ABC / A'B'C'.
91. *Ibid.*, p. 117. Le *tafsīr al-Wasīṭ* (p. 2030) reprend à son compte cette mise en regard des 2 sourates, par Rāzī. On la retrouve également dans Suyūṭī, *al-Itqān*, III, p. 332.
92. Rāzī, XXXII, p. 189.

D. 998

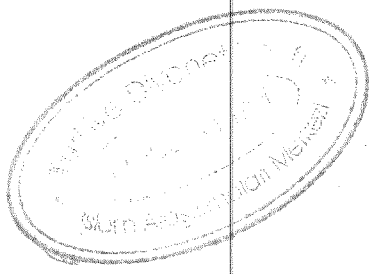

06 HAZIRAN 1998

MIDEO 23 (1997) S. 197-238. Caire

ÉTUDE SUR L'ORIGINE ET LE SENS DU MOT *'UZLA* DANS LA LITTÉRATURE ASCÉTIQUE ET MYSTIQUE

par

Josef DREHER, o.p.

«L'isolement (*al-'uzla*) les a voilés parmi les hommes»
Ibn Qasī

À l'occasion des "I Jornadas de Silves" tenues les 3 et 4 septembre 1992, le professeur Adel Sidarous, de l'université d'Evora, a donné dans cette paisible ville de campagne en Algarve une conférence sur le célèbre mystique andalou Ibn Qasī, l'un des plus importants fils de Shilb (le Silves d'aujourd'hui). Il regrette que le *Kitāb khal' al-na'layn* ("Quitter ses sandales") soit resté largement *terra incognita* jusqu'à présent: le langage ésotérique de cette œuvre la rend difficilement accessible pour une bonne compréhension des idées du maître soufi et nous ne sommes pas encore en mesure d'en faire une traduction et un commentaire corrects, ce qui serait pourtant souhaitable[1].

Après avoir longtemps travaillé sur le texte du *Kitāb khal' al-na'layn*, je suis convaincu que ce souhait ne sera réalisable que lorsqu'aura été fait un établissement critique du texte, fondé sur tous les manuscrits recensés, après le dépouillement — par des recherches ponctuelles — des idées principales développées dans l'ouvrage, car une connaissance préalable précise du contenu serait d'une aide énorme pour l'éditeur qui sera souvent confronté à des manuscrits de lecture difficile et sans point diacritique[2]. L'édition de Goodrich, faite dans le cadre d'une thèse de doctorat à l'Université de Columbia, pourrait servir de base de travail. Les pages qui suivent doivent être considérées comme une modeste avancée vers une meilleure compréhension de la doctrine d'Ibn Qasī sur un point particulier: elles se fixent comme but d'enquêter sur les origines de la notion de *'uzla* (isolement) et sur quelques-unes des

جميع الحقوق محفوظة
الطبعة الأولى
١٤١٣هـ ـ ١٩٩٣م

سلسلة رسائل الغرباء
(٤)

العزلة والخلطة

أحكام وأحوال

تأليف
سلمان بن فهد العودة

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Dem. No: 90373
Tas. No: 297.4
UVO.U

علّق عليه وقدّم له سماحة الشيخ
عبد العزيز بن عبد الله بن باز
حفظه الله تعالى
الرئيس العام لإدارات البحوث العلمية
والإفتاء والدعوة والإرشاد
المحرم ١٤١٣هـ

مفهوم العزلة
عند الإمام الخطابي

الدكتور / أحمد بن عبدالله الباتلي
قسم السنة وعلومها - كلية أصول الدين
جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية

17 EYLÜL 1998

Mecelletu Camiati'l-İmam Muhammed b. Suudi'l-İslamiyye, aded: 18 (1417/1997) Riyad, s. 125-172.

D. 1528

العُزلة

للإمام أبي سليمان حمد بن محمد الخطابي البستي المتوفى سنة ٣٨٨ هـ

Uzlet

21 MAYIS 1991

تحقيق
عادل عبد الموجود
جامعة الازهر
قاهرة

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi

Kayıt No. :	[illegible]
Tasnif No. :	297.3 HAT.U

مراجعة
محمود الزناري
الجمعية الشرعية

١٩٨٧

Uzlet

Neşriyat mehasın, s. 240-245

297.72
YAF.N

22 OCAK 1998

Uzle, SE, 275, 248, 15

Uzlet

Uzlet

emrâye 556-558

297.72
MUH.R

-UZLET
-0510/5 IBNUL-VEZIR EBUNNEDHIRAH 92-965108

Ibn al-Wazīr, Muhammad ibn Ibrāhim, 1373 or 4-1436.
(Amr bi-al-'uzlah fi ākhir al-zamān)
الأمر بالعزلة في آخر الزمان / تأليف محمد بن ابراهيم الوزير ؛ تحقيق ابراهيم باجس عبد المجيد. -- الطبعة 1. -- الدمام : دار ابن القيم ؛ عمان : المكتبة الاسلامية، [1991 or 1992] .1412
193 p. : ill. ; 24 cm. --
(رسائل الامام ابن الوزير ؛ 1)

Includes bibliographical references (p. 183-190) and index.
13 riyals
AP-Islam.

17 NISAN 1995

.الأمر بالعزلة في آخر الزمان
تأليف محمد بن إبراهيم الوزير المرتضى (ت ٨٤٠ هـ)؛ تحقيق إبراهيم باجس عبد المجيد. - الرياض: دار ابن القيم؛ عمان: المكتبة الإسلامية، ١٤١٣ هـ، ١٩٣ ص. - (رسائل الإمام ابن الوزير؛ ١)
— İbnü'l-Vezir Ebu Abdullah
— Uzlet

25 EKİM 1995

- العزلة وقبول البشرى بالتيسير باليسرى
محمد بن إبراهيم بن الوزير (ت ٨٤٠ هـ)؛ تحقيق قسم التحقيق بدار الصحابة. - طنطا: الدار، ١٤١٢ هـ، ١٠٢ ص
— Uzlet
— İbnü'l-Vezir Ebu Abdullah

25 EKİM 1995

189 DREHER, J. Etude sur l'origine et le sens du mot *'uzla* dans la littérature ascétique et mystique. *Institut Dominicain d'Etudes Orientales du Caire: Mélanges (MIDEO)*. 35 (1997) pp.197-238

Uzlet

22 NISAN 2000

٢٥٩٩ - العزلة
Haddad
أبو سليمان حمد بن محمد الخطابي (ت ٣٨٨ هـ)؛ خرّج أحاديثه عبد الغفار سليمان البنداري. - بيروت: دار الكتب العلمية؛ مكة المكرمة: توزيع دار الباز، - ١٤٠ هـ، ١٢٠ ص
Uzlet

25 EKİM 1996

20 EKİM 1997

٤٣٨٢ UZLET
خوانساری، احمد. "عزلت عارفان". خبرجنوب (١٩ آبان ١٣٦٥): ص ٢٠١.
(٢٠ آبان ١٣٦٥): ص ٨٠١. (٢١ آبان ١٣٦٥): ص ٢٠١.

-HATTÂBÎ
-UZLET

88-960274
Khaṭṭābī, Ḥamd ibn Muḥammad, 931-996.
('Uzlah)
العزلة / لأبي سليمان حمد بن محمد الخطابي البستي ؛ تحقيق عادل عبد الموجود ؛ مراجعة محمود الزناري، - عابد بن عبد القادر. - القاهرة : مكتبة الزهراء، 1987.
134 p. ; 24 cm.
Title page partially vocalized.
Includes indexes.
Bibliography: p. 133-134.
£El.50
1. Asceticism. 2. Sufism.
Egy-Islam.

Khayyāṭ, 'Abd al-'Azīz
search under
Khayyāṭ, 'Abd al-'Azīz 'Izzat, 1923-

21 OCAK 1998

"UZLET" TSV

el-Ayni, "Umdetü'l-Kâri---," C. XIX, s. 40-41.

Uzlet Tasavvuf

Muhammed el-Hadir Hüseyin
Nmn Y. İslam Ü, 663-669

2344 ASIN PALACIOS, M. De la vida monástica en el Islam. *Rev. occidente* 30 (1930), pp. 102–116

İNZİVA.

11 ARALIK 1992

uzlet *

Ahmedü Bamba

"UZLET"

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

42140
İlm Arabi öncesi tasavvufta halvet ve uzlet. *TOSUN, Necdet.* Yüksek Lisans. Marmara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul, 1995. 130 s., 209 ref.
Danışman:Doç.Dr.H.Kamil Yılmaz. Dili:Tr.
İbnü'l-Arabi: Mühy. 093765
Halvet - 081310
Uzlet - 100104
22 Haziran 2015

el-Muslimü'l-Müasır, C. IX, Sy 35, s. 117 vd.

العزلة والإنفراد لابن أبي الدنيا / محمد الهادي الشواشي ؛ إشراف د. تيجاني بوريقة . ــ تونس : المعهد الأعلى للحضارة الإسلامية ، 1991 . ــ 293 ص. ؛ 28 سم.

د.م.ث : دراسات إسلامية : تونس : المعهد الأعلى للحضارة الإسلامية : 1991

-Ibn Ebi'd-Dünya-
-Uzlet

Uzlet

er-Rüya, s. 373-381

297-72
MUHIR

الآداب الشرعية

والمنح المرعية

Uzlet (467-473)

تأليف

شمس الدين أبي عبد الله محمد بن مفلح المقدسي الحنبلي

تغمده الله برحمته وأسكنه فسيح جناته

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Ansiklopedisi
Kütüphanesi

ıt No. :	10148-3
ıif No. :	297.8 MÜF.A

الجزء الثالث

الناشر

مؤسسة قرطبة

ت ٨٦٢١٥١ – القاهرة

أبا محمد عبد الرحمن بن أبي شريح الأنصاري قال كنت أقرأ على أبي القاسم البغوي ببغداد فلما كان في بعض الأيام وكنت أقرأ عليه جزءا وقد وضع رأسه بين ركبتيه فرفع رأسه وقال كأني بهم إذا مت يقولون مات البغوي ولا يقولون مات جبل العلم ، ثم وضع رأسه بين ركبتيه واستند فلما فرغت من قراءة الجزء قلت كم قرأت عليك ؟ فلم يجبني فحركته فإذا به قد مات رحمه الله .

فصل

(في المفاضلة بين العزلة والمخالطة)

واختلف الناس في الأفضل من الخلطة والعزلة على مذهبين وعن الإمام أحمد رحمه الله عنه في ذلك روايتان قال في رواية أبي الصقر وقد سأله عنها إذا كانت الفتنة فلابأس أن يعتزلها الرجل حيث شاء فأما مالم يكن فتنة فالأمصار خير .

قال أحمد ثنا حجاج ثنا شعبة عن الأعمش عن يحيى بن وثاب عن شيخ من أصحاب النبي ﷺ – قال الأعمش هو ابن عمر – عن النبي ﷺ قال « المؤمن الذي يخالط الناس ويصبر على أذاهم خير من المؤمن الذي لايخالطهم ولا يصبر على أذاهم » كلهم ثقات رواه الترمذي عن ابن المثنى عن ابن أبي عدي عن شعبة وقال قال ابن أبي عدي كان شعبة يرى أنه ابن عمر ، وقال الحسن بن محمد بن الحارث قلت لأبي عبد الله : التخلي أعجب إليك ؟ فقال التخلي على علم وقال يروى عن النبي ﷺ أنه قال « الذي يخالط الناس ويصبر على أذاهم » ثم قال أبو عبد الله رواية شعبة عن الأعمش ثم قال من يصبر على أذاهم ؟ وقال إسحاق بن إبراهيم في الأدب من مسائله عن أحمد قال : قال أبو سنان وجاءه رجلان فقال تفرقا فإنكما إذا كنتما جميعاً تحدثتما وإذا كنتما وحدانا ذكرتما الله تعالى قال أبو عبد الله رواه وكيع عن أبي سنان .

قال القاضي أبو الحسين إنه نقل من الجزء الثالث من الأدب تأليف المروذي قال قال أبو عبد الله أحمد بن حنبل كفى بالعزلة علما وإنما الفقيه الذي يخشى الله . وهي إختيار أبي عبد الله بن بطة وقال أبو الفرج بن الجوزي وقد كان أكثر السلف يؤثرون العزلة على الخلطة ، وقال أيضا إن من قدر على نفع الناس بماله أو بدنه لقضاء حوائجهم مع القيام بحدود الشرع إنه

ECONOMIC SECURITY IN ISLAM

Inzwa - 37/39
1959

By

'ALLAMA YŪSUF AL-QARḌĀWI

Rendered into English by

MUHAMMAD IQBĀL ṢIDDIQI

★ BOOKS ALLSORTS :
Exported & Produced By :—
MALIK SIRAJUDDIN & SONS
Kashmiri Bazar, Lahore (8) Pakistan
Phones : (042) 52169—853431—311498

KAZI PUBLICATIONS
121 - Zulqarnain Chambers,
Ganpat Road, Lahore (Pakistan)

God says :

> "And when the Prayer is ended, then disperse in the land and seek of Allāh's bounty." (62 : 10)

It is reported that Ḥaḍrat 'Umar (Allāh be pleased with him) saw some people sitting in the mosque, after they had performed Prayers, to wait for their provisions relying upon the invisible forces of God to provide them. He flogged them and said, "Should a person evade from endeavours and say : O' God ! Give me sustenance ?" Although he knows that gold and silver never pours down like rain from the sky. God says : And when the Prayer is ended, then disperse in the land and seek of Allāh's bounty.

(b) **Seclusion :** Some people do not work at all on the ground that they have taken to the worship of Allāh and have adopted seclusion. They say that God has said in the Holy Qur'ān, "I have created jinns and men for worshipping me." Man has been persuaded in this Verse to become recluse and leave the worldly affairs. It is not lawful for these people to do anything except worship of Allāh.

Such people are quite ignorant of the teachings of the Holy Prophet (peace and blessings of Allāh be upon him) who said, "Any work performed with good intentions, in accordance with the injunctions of Islam, it turns into worship itself." So, for man

1374 HADDAD, Gibril Fouad. Quietism and end-time reclusion in the Qur'ān and Hadith: al-Nābulusī and his book *Takmīl al-Nu'ūt* within the *'uzla* genre. *Islamic Sciences*, 15 ii (2017) pp. 91-124.

Uzlet 200204

MADDE YAYIMLANDIKTA
SONRA GELEN DOKÜMAN

01 Ocak 2021